

## شاخص‌های استعمار اسپانیا

۵ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۱۸:۳۳

استعمار شاخص‌های مختلفی دارد، اما در میان این شاخص‌ها، حمله به مستعمرات، غارت اموال آنها، کسب اعتبار، قتل و خونریزی و مداخله در امور سیاسی و اقتصادی آن کشورها جز مهمترین شاخص‌های استعمار است. این شاخص‌ها در میان بسیاری از استعمارگران از جمله اسپانیا دیده می‌شود. این کشور که نام استعمارگر پی را با خود به یاد می‌کشد، جز کشورهایی است که مرتکب تمام این جنایات شد. این کشور در مستعمرات خود، دست به اقدامات زیادی زد که می‌توان از آنها با عنوان شاخص‌های استعمار نام برد.

### چپاول و غارت منابع طبیعی

چپاول و غارت منابع طبیعی مستعمرات، اولین و مهمترین شاخص استعمار است. فلزات گرانبها مانند طلا و نقره، ادویه‌جات، صنایع دستی، آثار تاریخی و... جز مهمترین منابعی بودند که توسط استعمارگران غارت می‌شدند و جالب آنکه این عطش جهت دزدی و چپاول بیشتر هیچگاه سیری‌پذیر نبود. چنانچه «سیل طلا، که از مشرق زمین و قاره آمریکا به سوی اسپانیا و پرتغال روانه می‌شد، عطشی سیری‌ناپذیر در تمامی کانون‌های سیاسی و اقتصادی اروپا، از خاندان‌های سلطنتی و اشراف محلی تا کانون‌های تجاری و مالی، برانگیخت و در فرهنگ و روانشناسی اروپاییان اکتشاف دریایی و تجارت ماوراء بحار جاذبه‌ای شگرف یافت.»<sup>۱</sup>

کسب طلا و ثروت، جز عواملی بود که به استعمارگرایان ضمن قدرت بخشیدن، کسب اعتبار نیز می‌کرد. «اصطلاح سنتی و آشنایی که بیانگر این انگیزه‌هاست چنین بود: «خدا، افتخار، طلا.» خدا بر تمایل، در واقع مسئولیت قائل شده، به هدایت مردمان به اصطلاح بی‌دین و وحشی ساکن این سرزمین‌های تازه کشف شده به مسیحیت دلالت دارد و افتخار به معنای افزایش وجهه و اعتبار کشور استعمارگر و رهبران آن است...»<sup>۲</sup> کسب اعتبار بدان معناست که با آغاز حرکت‌های استعماری، کشوری که وارد وادی استعماری نشده بود، خود را عقب‌تر از سایر رقبا می‌دانست و از طرفی دست آن کشور از ثروت بادآورده مستعمرات کوتاه بود. در حالیکه مستعمرات باعث افزایش قدرت و ثروت آنان می‌شدند. در این شرایط کشوری که فاقد مستعمره بود، به نوعی قدرت و ثروت و در نتیجه اعتبار کمتری نسبت به سایر رقبا داشت.

### نقش و اهمیت طلا در تکاپوهای استعماری

اما در میان این عوامل همانطور که گفته شد طلا اهمیت و ارزش متفاوت‌تری داشت. طلا نه فقط شامل فلزات اساسی بلکه گاه حتی شامل مواد خان، منسوجات و حتی انسان‌ها در قالب برده بود. اسپانیا به قدری در دزدی و غارت اموال مستعمرات پیش رفت

که به الگوی سایر مستعمرات نیز تبدیل شد. چنانچه پرتغالی‌ها، به تقلید از الگوی اسپانیا در قاره آمریکا، برزیل را نیز مستعمره خود ساختند، که سرانجام به باارزش‌ترین مستعمره پرتغال تبدیل شد و با تولید نیشکر، قهوه، و برده سودهای هنگفتی نصیب این کشور کرد.<sup>۳</sup>

سودی که اسپانیا از استعمارگری به دست آورد به حدی زیاد بود که باعث شد دیگر کشورهای اروپایی نیز جهت کسب ثروت، دست به استعمارگری بزنند. طبق یکی از آمارهایی که در رابطه با ثروت اندوزی اسپانیا از استعمارگری آمده است، این کشور در حدود سال ۱۵۵۰، یعنی کمتر از شصت سال پس از نخستین سفر دریایی کلمب، اسپانیا حدود ۳۰۳ میلیون پزو (معادل میلیون‌ها دلار امروزی) از نظام سوداگرانه خود در مستعمرات فرادریایی سود می‌برد. این رقم تا سال ۱۶۰۰ به ۲/۷ میلیارد پزو رسید و باز هم رو به افزایش بود.<sup>۴</sup>

#### تبلیغ مسیحیت در قالب فراماسونری

تبلیغ دین که در قالب تشکل‌هایی به نام فراماسونری صورت می‌گرفت، از دیگر انگیزه‌های استعمارگران از جمله اسپانیا جهت تکاپوهای استعماری بود. اسپانیا و پرتغال به عنوان پیشگامان حرکت استعماری، در کنار تخریب و غارت مستعمرات، تبلیغ مسیحیت را نیز در دستور کار خود قرار داده بودند. آنان مردم مستعمرات را به چشم بردگان وحشی می‌نگریستند و معتقدند بودند تنها راه نجات از خوی وحشی‌گری، پناه بردن به مسیحیت است. از این رو در کنار اقدامات تبلیغی-فرهنگی، گاهی از روش‌های خشونت‌آمیز جهت ترویج مسیحیت استفاده می‌کردند.

#### قتل، خونریزی و کشتار

شکنجه، قتل، کشتار، سرکوب و خونریزی از دیگر شاخص‌های استعمار است که اسپانیا نیز بارها به شکل‌های مختلف از آن استفاده کرد. این شاخص که با موضوع برده‌داری و کشتار آنها نیز در ارتباط است، باعث شکنجه صدها هزار انسان بی‌گناه طی دوران سیطره اسپانیا شد. چنانچه «ایزابلا و رهبران بعدی اسپانیا همچون کلمب به این سرزمین‌ها و مردمان تازه یافته در آن سوی دریا صرفاً به عنوان کالاهایی برای بهره‌برداری می‌نگریستند. این رهبران بی‌درنگ این منابع بالقوه اقتصادی را برای کشورشان غنیمت شمردند و مکتشفان، سربازان و مستعمره‌نشینان دیگری را اعزام داشتند. مک نیل می‌نویسد: «اسپانیایی‌ها، در دوره بسیار کوتاهی، با انرژی فوق‌العاده و بیرحمی تمام به کشف، تسخیر و مستعمره‌سازی دنیای جدید مبادرت ورزیدند.» در واقع، تا پایان سده شانزدهم، اسپانیا توانسته بود کنترل کامل یا بخشی از فلوریدا، کوبا، مکزیک، پاناما، ونزوئلا و مناطق متعدد دیگری از قاره آمریکا را به دست آورد.<sup>۵</sup>

#### مداخله در امور سیاسی و اقتصادی مستعمرات

مداخله در امور سیاسی و اقتصادی مستعمرات نیز از دیگر شاخص‌های استعمارگری است که توسط بسیاری از آنها از جمله اسپانیا به کار برده شد. اسپانیا هر گونه جنبش آزادیخواهانه در مستعمرات را سرکوب می‌کرد و در امور سیاسی و اقتصادی آنها، خود تصمیم می‌گرفت. تا جایی که بسیاری از مقامات گماشته شده در مستعمرات، مقاماتی تشریفاتی بودند. دامنه مداخلات گاه تا جایی پیش می‌رفت که استعمارگران خود به تنهایی و بدون اطلاع مستعمرات، تصمیم گرفته و بعد از اجرای آنها، مستعمرات

از آن باخبر می شدند.

اسپانیا در اواخر قرن بیستم، همچنان مستعمراتی را برای خود حفظ کرد. آخرین مستعمرات این کشور در سال ۱۹۷۵ واگذار شدند و این کشور برای همیشه قدرت استعماری خود را از دست داد. در سال ۱۹۷۵ اسپانیا - برای رهایی از چنگ ملی گرایان «پولیساریو» - «صحرا» را از سر واکرد و به مراکش و «موریتانی» وانهاد. در ۱۹۶۳ هلند بخش غربی «گینه نو» را به «اندونزی» وانهاد.<sup>۶</sup> بدین ترتیب آخرین گام استعماری این استعمارگر پیر در از دست دادن مستعمرات شکست و برای همیشه از صحنه استعماری خارج شد.

#### سخن نهایی

اسپانیا در طول دوران استعمارگری خود منابع عظیم ثروت مستعمرات را چپاول کرد. این کشور علاوه بر دزدی، خون زیادی از مردمان بی گناه ریخت و دست به برده داری زد. این در حالیست که برخی از تحلیلگران در حمایت از استعمارگران، آنان را عامل آبادی و توسعه مستعمرات می دانند. البته درست است که استعمارگران برخی از مظاهر مدرنیته همچون صنعت چاپ، تلگراف و... را وارد مستعمرات کردند، اما بسیاری از این امور در راستای آسان کردن کار خود استعمارگران بود. به عنوان نمونه تلگراف برای برقراری ارتباط با سایر مستعمرات صورت می گرفت.

#### فهرست منابع

۱. عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، جلد ۱، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۷، ص ۵۷.
۲. دان ناردو، عصر استعمارگری، ترجمه مهدی حقیقتخواه، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۶، صص ۲۷ - ۲۸.
۳. همان، صص ۳۶ - ۳۷.
۴. همان، صص ۳۳ - ۳۴.
۵. همان، صص ۳۱ - ۳۲.
۶. مهران توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، جهان سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۸ - ۱۱۷.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49655/اسپانیا-استعمار-بنا-شاخص>